

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي و نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



مؤلف : شاد روان استاد
علی اصغر پشیر هروی

**از کتاب
هزار و یک
حکایت
ادبی و تاریخی**



شاد روان استاد علی اصغر

« پشیر هروی »

تاریخ نشر : 8 اگست 2018 م

حکایت 257

ترا بر درد من رحمت نیاید
رفیق من یکی همدرد باید
« سعدی »

کاهلی

مولانا حسن شاه از جمله شعرا و ظرفای معروف قرن نهم هجری و مردی کهنسال بود که بگفتهء تذکره نویسان در هنگام وفات (سال ۹۰۵ هجری) سنش از صد سال گذشته بود .

وی در آن هنگام که جوان بود ملازمت میرزا سلطان محمد بن میرزا بایسنقر شاهزادهء تیموری را اختیار کرده بود و چون شخص ظریف و خوش صحبت بود میرزا سلطان محمد سر بسر او می گذاشت و بعضی چیزها از او می پرسید .

یکروز سخن بذکر معایب ملوک کشید و مولانا حسن شاه هریک از گذشتگان را بعیبی منسوب گردانید، میرزا سلطان محمد از وی پرسید :

من چه عیب دارم ؟

مولانا حسن شاه جواب داد :
من که غیر از کاهلی در وجود شما دگر چیز سراغ نداریم .

میرزا سلطان مجد گفت :
از کجا دانستی که من کاهل هستم؟

مولانا گفت:

از آنجا دانستم که میدانم می توانید امر کنید که ده هزار دینار به حسن شاه بدهند ولی در صدور این امر کاهلی می کنید !

میرزا سلطان مجد از شنیدن این سخن در خنده افتاد و گفت :
پنجهزار دینار برای مولانا حسن شاه بدهید !

مولانا گفت :
مگر من نگفتم که شما کاهل هستید؟
بینید که در میان راه مانده شدید و از بار خود نصف آن را برداشتید و باقی بر من ماند !

سلسله نشر این حکایات جالب ادامه دارد

www.24sahat.com

www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی